

آثار حیات طیبه در زندگی

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

مقدمه

قرآن درباره رابطه ایمان و عمل صالح می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به زندگی پاک (حیات طیبه) زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». بنا بر این آیه شریفه ایمان و عمل صالح، معیار مهم سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است؛ یعنی برای رسیدن به حیات طیبه باید به این دو سلاح معنوی و الهی مجهز شد. اساساً هدف بعثت انبیاء، رسیدن به حیات طیبه و شکوفایی عقل و فطرت افراد در پرتو حیات طیبه است. حافظ درباره رسیدن به حیات طیبه و زندگی کریمانه می‌گوید:

گر نور عشق حق به دل و جان او افتد بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی

معنای «حیات طیبه»

مفسران قرآن معانی متعددی را برای «حیات طیبه» ذکر کرده‌اند؛ مانند روزی حلال،^۱ قناعت و خشنودی از قسمت الهی،^۲ عبادت توأم با روزی حلال،^۳ زندگانی در طاعت خداوند،^۴ توفیق بر

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. نحل: ۹۷.

۲. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۲۴.

۳. ملا محسن فیض کاشانی، الاصفی فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۶۲.

۴. اسماعیل بن عمرو ابن‌کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۵۱۶.

۵. حسین بن علی ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۸۹.

اطاعت فرمان خدا^۱ و رزق روزانه^۲. با توجه به نتایجی که از انجام عمل صالح نصیب مؤمنان می‌شود، وسعت و گستردگی مفهوم آن تا آنجاست که همه این موارد بیان شده و غیر از آن‌ها را در بر می‌گیرد. بنابراین حیات طیبه را می‌توان به معنای زندگی پاکیزه از هر نظر همچون پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، دشمنی‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها دانست.^۳

بنا به فرمایش علامه طباطبایی^۴ حیات طیبه‌ای که خداوند به زن و مرد نیکو وعده داده است، حیاتی حقیقی و جدید است که مرتبه‌ای بالا و والا از حیات عمومی و دارای آثاری مهم است.^۵ بنا بر فرمایش قرآن،^۶ انسان مؤمن با دوابال ایمان و عمل صالح و در سایه حیات طیبه به شکوفایی عقلی می‌رسد که مهم‌ترین هدف از بعثت انبیای الهی است. انسان به وسیله رشد صحیح عقل و بهره‌برداری از آن، می‌تواند از کمال واقعی برخوردار شود. این در حالی است که قرآن کریم کافر را به سبب عدم تعقل و خردورزی، مرده فاقد حیات می‌داند.

به خاطر اهمیت رسیدن به حیات طیبه و نقش آن در زندگی، در این مجال آثار حیات طیبه را از منظر فرهنگ اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم، به امید آنکه برای رسیدن به آن با جدیت کامل گام برداریم.

آثار و مراتب حیات طیبه

ما بدان مقصدِ عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطفِ شما گامی چند

در برخی از آیات و روایات آثار، نشانه‌ها و مراتب حیات طیبه مطرح شده است که به اهم آن‌ها می‌پردازیم.

۱. نصرت و تأیید غیبی

حیات طیبه که از طریق ایمان توأم با عمل صالح به دست می‌آید، یقیناً همراه با تأییدات غیبی است؛ یعنی صاحب این حیات مادامی که اعمال صالح مؤمنانه انجام می‌دهد، مشمول مدد‌های غیبی است؛^۱ چنانکه خداوند در سوره روم می‌فرماید: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ

۱. ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۹۵.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۹۴.

۴. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲ ص ۴۹۱.

۵. انعام: ۱۲۲.

۶. مجادله: ۲۲.

الْمُؤْمِنِينَ؛^۱ امداد و نصرت به اهل ایمان بر عهده ماست». طبق آیات الهی، صاحبان حیات طیبه نه تنها در دنیا بلکه در آخرت نیز مورد تأیید و نصرت حضرت حق خواهند بود: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛^۲ ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم».

بنابراین طبق این آیات، تأییدات و نصرت الهی و مددهای غیبی همواره در طول حیات طیبه کمک حال مؤمنین خواهد بود و آنان هرگز به حال خود رها نخواهند شد.

۲. نور علم و هدایت

یکی از مراتب و آثار رسیدن به حیات طیبه، دریافت نور الهی در زندگی است که انسان مؤمن آن را در اثر ایمان حقیقی و عمل صالح دریافت می‌کند و چیزهایی را می‌بیند و درک می‌کند که از توان دیگران خارج است؛ چنانکه خداوند در سوره انعام فرمود: «فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا؛^۳ ما او را [به وسیله هدایت و ایمان] زنده کردیم و برای وی نوری قرار دادیم تا در پرتو آن، در میان مردم [به درستی و سلامت] حرکت کند». در حدیثی از رسول خدا ﷺ نیز آمده است: «الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ؛ همان مؤمن با نور خدا می‌بیند». مؤمن قطعاً به سبب نوری که خداوند به او عطا فرموده است، آنچه را که دیگران نمی‌بینید، می‌بیند و آنچه را که دیگران در دل دارند، می‌فهمد.

نیست آن ينظر بنور الله گزاف نور ربانی بود گردون شکاف
علامه طباطبایی رحمته الله می‌فرماید:

«این نور دانش و فهم، نشانه‌ای واقعی از حیات طیبه است؛ همانطور که مؤمن علم و ادراکی دارد که دیگران ندارند. همچنین از موهبت قدرت بر احیای حق و ابطال باطل سهمی دارد که دیگران ندارند و آن، مدد غیبی است که مؤمن در مقابل باطل از سوی حق تأیید می‌شود».^۴

۱. روم: ۴۷.

۲. غافر: ۵۱.

۳. انعام: ۱۲۲.

۴. احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۳۱.

۵. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۴۲.

و آن که او **ینظر بنور الله** بود هم ز **مرغ** و هم ز **مور آگه** بود حضرت مسیح علیه السلام این مرتبه از حیات طیبه را به یاران خود چنین توضیح داده است: «علم در اعماق دل‌های شما و در سرشت و طبیعت‌تان پنهان است. به اخلاق فرشتگان و پاکدلان متخلق شوید تا علم بر شما ظاهر شود». ^۱ کلام نورانی امام صادق علیه السلام نیز مؤید این معناست: «لَيْسَ الْعِلْمُ بِاللَّعْلَمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ؛ ^۲ علم به آموختن نیست؛ بلکه نوری است که خداوند در دل هر کس که بخواهد هدایتش کند، قرار می‌دهد». در هر صورت انسان مؤمن می‌تواند در اثر تقوا و پرهیزگاری به مقامی برسد که نور حق به دلش بتابد و او را در بزنگاه‌های زندگی راهبر شود.

بر خورداری از این نور موجب می‌شود انسان حق را از باطل تشخیص دهد و سریعاً خود را در صفوف اهل حق قرار دهد. همچنین می‌تواند اشیاء و انسان‌ها و افکار را آن‌طوری که هستند، ببیند و حقیقت‌شان را درک کند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ هُمُ الَّذِينَ عَرَفُوا مَا أَمَّامَهُمْ؛ ^۳ مؤمنان کسانی هستند که آنچه پیش رو دارند، می‌شناسند». تشخیص به موقع، آینده‌نگری و پیش‌بینی صحیح‌ترین راه، از نشانه‌های آن‌هاست. حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام مصداق بارز این انسان‌ها بود که امام صادق علیه السلام درباره آن حضرت فرمود: «كَانَ عَمُّنَا الْعَبَّاسُ بِنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَأَبْلِي بَلَاءَ حَسَنًا وَمَضَى شَهِيدًا؛ ^۴ عمویمان ابوالفضل العباس، از بصیرت ژرف و والایی برخوردار بود، ایمان محکم و استواری داشت، همراه برادرش و در رکاب برادرش جهاد کرد و به شهادت رسید». آن حضرت هرگز ذره‌ای در انتخاب درست خویش تردید نکرد. انسان مؤمن نیز هنگامی که حق و باطل را از هم تشخیص دهد، هرگز در فتنه‌ها و آزمون‌ها رفته نمی‌شود.

بصیرت مقدار

جناب مقدار که در اثر ایمان و عمل صالح به حیات طیبه رسیده بود، در دوران فتنه بعد از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به این مرتبه نائل شد که توان تشخیص حق و باطل را پیدا کند. از این رو بود که با ایمان قاطع می‌گفت: «یا علی! اگر هیچ کس تو را یاری نکند، من فرمانبر شمایم و در یاری

۱. حسین بن رضا بروجردی، تفسیر صراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص ۳۲۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۵.

۴. نعمان بن محمد ابن حیون، شرح الاخبار فی فضائل ائمة الاطهار علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۸۴.

و حمایت از تو، ذره‌ای کوتاهی نخواهم کرد». مقدار یکی از افرادی بود که از خلیفه خواست بیعت با امام علی علیه السلام را که در روز غدیر خم انجام داده است، پاس بدارد و آن را نشکند.^۱ امام کاظم علیه السلام درباره بیعت خدادادی جناب لقمان حکیم فرموده است: «به خدا سوگند، به لقمان حکمت^۲ را به خاطر حسب و نسب یا مال یا خویشاوندان و یا قدرت بدنی یا زیبایی ندادند؛ بلکه چون مردی قوی و پرهیزکار در کار خدا بود، به او حکمت دادند».^۳

۳. آرامش حقیقی

یکی دیگر از مراتب و آثار حیات طیبه، آرامش حقیقی در زندگی، ایمان که همان به یاد خدا بودن و آرام بخش روح و جسم انسان است؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۴ هر گاه به خداوند یگانه و روز جزا، ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمگین خواهند شد؛ یعنی آرامشی معنوی و روحانی بر زندگی آنان حاکم خواهد شد. حقیقتاً حیات طیبه، آرامش و امنیت روحی و روانی را در پی دارد؛ چنانکه خداوند درباره‌اش فرمود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۵ خداجویان کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است. آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

۴. عزت دنیا و آخرت

کسی که به وادی حیات طیبه راه یابد، هرگز روی ذلت را نخواهد دید؛ نه در دنیا و نه در آخرت؛ چرا که وعده خدا همین است که عزت در انحصار خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان است: «وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»^۶ پیشوای ششم، امام صادق علیه السلام نیز درباره عزت مؤمن فرموده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ»^۷ مؤمن از کوه نیز شکست‌ناپذیرتر است».

در احوالات فیلسوف بزرگ عالم اسلام، حاج ملاهادی سبزواری رحمته الله علیه نوشته‌اند:

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۲۹.

۲. لقمان: ۱۲.

۳. ر.ک: علیرضا برازش، تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۱، ص ۵۱۰؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۲: «كَانَ رَجُلًا قَوِيًّا فِي أَمْرِ اللَّهِ مُتَوَرِّعًا فِي اللَّهِ».

۴. مانده: ۶۹.

۵. رعد: ۲۷.

۶. منافقون: ۸.

۷. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۶۳.

از کثرت عزت نفسی که داشت، از هیچ کس چیزی نمی‌خواست. تحف و هدایا را نیز اصلاً قبول نمی‌کرد. در همه عمر، با کمال زهد و تقوا، صدق و صفا، بی‌آلایشی و نهایت عزت نفس گذرانید. به هیچ کس از شاهان و ثروتمندان، اعتیایی نداشت. ناصرالدین شاه در سبزواری به خانه‌اش رفت و روی حصیری که فرش اتاق تدریس بود، نشست و تألیف کتابی را در اصول دین به زبان پارسی درخواست نمود. پس از رفتن پانصد تومان^۱ به خدمتش فرستاد، ولی آن مرد عزیزالنفس و منیع‌الطبع نپذیرفت و نصف آن را به طلاب و نصف دیگر را به فقرا حواله داد و دستور فرمود که به سادات، دو برابر دیگران بدهند.^۲

وی نمونه‌ای از خاک‌نشینان افلاکی بود:

نه در اختر حرکت بود نه در قطب سکون گر نبودی به زمین خاک نشینانی چند

ای که مغرور بجاه دو سه روزی بر ما رو گشایش طلب از همت مردانی چند^۳

۵. مصونیت از شیطان و نفس اماره

یکی دیگر از مراتب و آثار حیات طیبه، مصونیت از شیطان و نفس اماره است. وقتی شخص در اثر ایمان و عمل صالح به مراتب عالی‌تر حیات طیبه می‌رسد، شیطان و عوامل آن دیگر نمی‌توانند او را در پیمودن راه حق وسوسه کنند و نفس اماره با هوی و هوس‌هایش و دنیا با فریبندگی‌هایش توان تسلط به وی را ندارد؛ زیرا با بینشی که یافته است حقیقت این دنیا را می‌بیند؛ چنانکه قرآن در این باره می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»؛ شیطان بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، سلطه‌ای ندارد.^۴

۶. دلدادگی برای خدا

دلدادگی مطلق به خدای متعال، ره‌آورد حیات طیبه در وجود انسان‌هایی است که شخصیت خود را به ایمان و عمل صالح آراسته‌اند. فروغی بسطامی می‌گوید:

۱. حدود یک‌صد و پنجاه سال پیش مبلغ قابل توجهی بود.

۲. ملاهادی سبزواری، دیوان اشعار، ص ۱۲، مقدمه.

۳. همان، غزل شماره ۸۷.

۴. نحل: ۹۹.

مردان خدا پرده پندار دریدند یعنی همه جا غیر خدا یار ندیدند

این همان مفهوم آیه شریفه‌ای است که می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّت قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۱؛ مؤمنان تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان بی‌مناک می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آن‌ها خوانده می‌شود، ایمان‌شان فزونی می‌گیرد و فقط بر پروردگارشان توکل دارند».

دل‌های چنین کسانی متعلق و مربوط به پروردگارشان است. آنان جز پروردگار را نمی‌خواهند و جز تقرب به او را دوست نمی‌دارند و جز از سخط و دوری او نمی‌هراسند. از دریچه دید آنان هر چه را که خدا آفریده است، زیبا و احسن و زشتی فقط نافرمانی خدای عالمیان است.

۷. مدیریت خدایی

حیات طیبه چنان در زندگی انسان‌های مؤمن اثر می‌گذارد که آنان دید خدایی پیدا می‌کنند و مدیریت پروردگار هستی را در زندگی خود کاملاً احساس می‌نمایند؛ همان‌گونه که خداوند فرموده است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۲؛ خداوند، سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به در می‌برد» و زندگی آنان را مدیریت می‌کند.

در همین رابطه علامه طباطبایی^{رحمه‌الله} در خاطرات خود می‌نویسد: «پیوسته حس می‌کردم که دست ناپیدایی مرا از هر پرتگاه خطرناک نجات می‌دهد و جاذبه مرموزی از میان هزارها مانع بیرون کشیده، به سوی مقصد هدایت‌م می‌کند»^۳.

من اگر خارم و گر گل چمن‌آرایی هست که از آن دست که می‌پروردم، می‌رویم

خداوند در حدیث قدسی مدیریت زندگی انسان مؤمن را بر عهده گرفته است. پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} این حدیث را این‌گونه نقل کرده است: «لَا أَطَّلِعُ عَلَى قَلْبٍ عَبْدٍ فَأَعْلَمَ مِنْهُ حُبَّ الْإِخْلَاصِ لِطَاعَتِي لَوْ جُهِيَ وَابْتِغَاءِ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيمَهُ وَسِيَّاسَتَهُ»^۴؛ بر قلب بنده‌ای آگاهی نیابم که در آن محبتِ اخلاص برای طاعت خودم و پیروی رضایتم را بیابم، جز آنکه قوام و پایداری

۱. انفال: ۲.

۲. بقره: ۲۷۵.

۳. عبدالحسین جواهر الکلام، تربت پاکان قم، ج ۳، ص ۲۳۵.

۴. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۴۸۳.

زندگی او و اداره امورش را به عهده می‌گیرم».

۸. ترجیح زندگی حقیقی بر مجازی

اولیای خدا با پیمودن مسیر بندگی و پاسداری از پیمان فطری و میثاق ملکوتی، به عالی‌ترین زندگی حقیقی رسیده‌اند و از ثمرات آن بهره‌مندند. حیات طیبه، تحت ولایت حق تعالی برای اولیای خدا تحقق می‌یابد. در مقابل حیات طیبه که ولایت الله را در باطن خود دارد، حیات مادی و مجازی دنیاست که ولایت شیطان و طاغوت‌ها در آن جلوه‌نمایی می‌کند: «الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ؛^۱ کسانی که کافر شدند، اولیای آن‌ها طاغوت‌ها هستند». آنان در اثر غلبه هوی و هوس‌های نفسانی، به ولایت شیطاطین تن می‌دهد. قرآن درباره آنان چنین می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا؛^۲ هر کس شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است».

رسیدن به حیات طیبه، به منزله رسیدن به یک زندگی حقیقی در مقابل زندگی مجازی غیر طیبه است که در آن از ایمان و عمل صالح و ولایت الله خبری نیست. علامه طباطبایی رحمته الله در این باره می‌نویسد:

«این آثار زندگی طیبه جز بر زندگی حقیقی مترتب نمی‌شود و زندگی مجازی بویی از آن ندارد. خداوند این آثار را مختص به مردمی با ایمان و دارای عمل صالح دانسته و حیات طیبه، حیاتی است حقیقی و واقعی و جدید که خدا آن را به کسانی که سزاوارند، افزوده می‌فرماید و این حیات جدید و اختصاصی، جدای از زندگی معمولی که همه در آن مشترکند، نیست. در عین اینکه غیر آن است، با همان است؛ تنها اختلاف به مراتب است، نه به عدد؛ پس کسی که دارای آن حیات طیبه است، دو جور زندگی ندارد؛ بلکه زندگی اش قوی‌تر و روشن‌تر و واجد آثار بیشتر است؛ هم‌چنانکه روح قدسی که خدای عزوجل آن را مخصوص انبیاء دانسته است، یک زندگی سومی نیست؛ بلکه زندگی آنان درجه بالاتری دارد. این، آن چیزی است که تدبر در آیه شریفه "فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً" آن را افاده می‌کند و خود، یکی از حقایق قرآنی است و با همین بیان، علت اینکه چرا آن زندگی را با وصف طَيِّب توصیف فرموده است، روشن می‌شود؛ گویا حیاتی است خالص که خبثاتی در آن نیست که فاسدش کند و یا آثارش

۱. بقره: ۲۵۷.

۲. نساء: ۱۱۹.

را تباه سازد».^۱

۹. یافتن روحیه جهاد و شهادت

در پرتو حیات طیبه، روحیه جهاد و شهادت در وجود مؤمنان تقویت می‌شود و آنان در راه اهداف والای‌شان استقامت می‌ورزند و برای تحقق آرمان‌های مقدس الهی با تمام وجود به استقبال شهادت می‌روند و عزت و شکوه ویژه‌ای در جامعه اسلامی می‌یابند و از اقتدار روحی و معنوی برخوردار می‌شوند. حافظ می‌گوید:

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد آنگه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی

هم‌چنانکه امام علی علیه السلام که در عالی‌ترین رتبه حیات طیبه قرار داشت، چنین بود و بارها این عشق درونی خود را اظهار نمود. آن حضرت برای ممتازترین یارش، جناب مالک اشتر چنین مقامی را از خداوند درخواست کرده و فرموده است: «اسأل الله أن يُخْتِمَ لي وَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ وَ الشَّهَادَةِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ»^۲ من از خدای متعال درخواست می‌کنم که پایان عمر من و تو را به رستگاری و شهادت ختم کند و البته که ما به ملاقات او مشتاق هستیم».

فهرست منابع

۱. ابن‌حیون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل ائمة الاطهار علیهم السلام، تصحیح محمدحسین حسینی جلالی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۴. برازش، علیرضا، تفسیر اهل‌بیت علیهم السلام، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۴۰۰ش.
۵. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تصحیح جلال‌الدین محدث، چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۶. بروجردی، حسین بن رضا، تفسیر صراط المستقیم، قم: نشر انصاریان، ۱۴۱۶ق.
۷. جواهر کلام، عبدالحسین، تربت پاکان قم، قم: نشر انصاریان، ۱۳۸۳ش.

۱. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۴۹۳.

۲. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۱۷۱.

۸. حافظ، شمس‌الدین محمد، دیوان اشعار، تهران: نشر فخر رازی، ۱۳۷۴ ش.
۹. سبزواری، ملاحادی، دیوان حاج ملاحادی سبزواری، تهران: نشر کتابفروشی محمودی، بی تا.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۳۹۴ ق.
۱۱. _____، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: نشر اسلامی، ۱۳۹۹ ش.
۱۲. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، چاپ دوم، نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: مؤسسه دارالکتب، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۹. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: نشر مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۰۸ ق.